

واشنگتن پست:
**عربستان دست از رفتار
 قرون وسطایی برداشته است**



واشنگتن پست در سرمقاله روز شنبه خود نوشت: رفتار عربستان در زندانی کردن و اعدام مخالفان تشنان می دهد حکومتی به میراث مانده از دوران قرون وسطی قادر نیست حتی بر نامه های نوسازی خود را نیز اجرا کند. این روزنامه افزود: بر نامه عربستان برای توسعه، پیشرفت و مدرن سازی کشور با عنوان «چشم انداز ۲۰۳۰» تلاشی است که تا آن مقطع زمانی این کشور را به کشوری کاملا پیشرفته و مدرن و حکومتی بسازد که صدای «همه شهروندان با همه نوع سلیقه و تفکر، بینش، دیدگاه و چشم انداز» را بشنود و «به همه این فرصت و حق را بدهد که حرف خود را بزنند.»

رنگ و لعاب الفاظ زیباست؛ اما حقیقت چیز دیگری است. در کشوری همچون عربستان؛ ابراز عقیده، مساوی است با «کردن زده شدن». مصادیق این واقعیت فراوان هستند. «اسرا القمقم» دختر جوان ۲۹ ساله، شیعه مذهب و فعال حقوق بشر سه سال است که به همراه همسرش «موسی الهاشم» از دسامبر ۲۰۱۵ میلادی بدون محاکمه در بازداشت بسر می برند. اسرا از سال ۲۰۱۱ که طوفان «بهار عربی» در کشورهای عرب و زین گردن گرفت؛ تظاهرات ضد حکومتی را در شهر «قطیف» در شرق عربستان برعهده دارد. اسما خواستار پایان دادن به تبعیض نژادی علیه شیعیان و نیز آزادی زندانیان سیاسی است.

طبق اعلام سازمان «دیده بان حقوق بشر»، جرم اسرا، «شرکت در تظاهرات در استان قطیف»، «تحریک به برپایی تظاهرات»، «سردادن شعارهای خصمانه»، «تلاش برای اشتعال افکار عمومی»، «فیلم گرفتن از تظاهرات و انتشار آن در شبکه های اجتماعی» و «حمایت از آشوبگران» تعریف شده است. عربستان حکومتی است که هیچ مخالف و منتقدی را بر نمی تابد و با نهایت بیرحمی بان به اشکال زندان و شلاق و اعدام بر خورد می کند.

در ۱۵ مرداد/ یک دادستان سعودی تقاضای اعدام برای «قمقم»، همسرش و چهار تن دیگر کرد. اگر این حکم اجرا می شد، اسرا نخستین زنی بود که در عربستان به جرم برپایی تظاهراتی غیر خشونت آمیز گردن زده می شد. این حکم، طبق روال عادی در مورد جرایم منجر به خشونت صادر می شود.

تقاضای دادستان تسلیم «دادگاه ویژه جنایی» شده است. این دادگاه یک دادگاه ضد تروریسم است و در واقع از آن به عنوان چماقی برای کوبیدن بر سر هر مخالفی استفاده می شود. قرار است یک قاضی دیگر در ۱۲ اکتبر / ۱۶ آبان / حکم اعدام اسرا را یک بار دیگر مرور کند. اگر حکم اعدام تأیید شود؛ می بایست پیش از اجرا پادشاه هم یک بار دیگر آن را مرور کند.

گردن زدن یک فعال حقوق بشر آن هم به جرم برپایی تظاهرات کاملا مسالمت آمیز و به دور از خشونت؛ میراثی مانده از دوران جاهلیت و بربریت (توحش) بشر. فرقی نمی کند قربانی زن باشد یا مرد.

عربستان نه تنها در عصر معاصر هم دست از این رفتار قرون وسطایی خود برداشته است، بلکه هیچ انتقادی را به این رویه نیز بر نمی تابد. همین اواخر دولت کانادا به پرونده اعمال سیاه عربستان در رعایت حقوق بشر انتقاد کرد و عربستان به شدت به آن واکنش نشان داد و آن را دخالت در امور داخلی خود اعلام کرد.

پادشاهی سعودی ید طولایی در سرکوب پایدار مخالفت ها و اعتراضات دارد. حکومت عربستان، «رایف بدایو» و بلاگ نویس را فقط به این جرم که مطرح کرده بود کشور عربستان نیاز به مدرن شدن دارد زندانی کرد. خواهر او هم به نام «سمر بدایو» به جرم دفاع از حقوق بشر زندانی است.

آیا دفاع این دو شهروند از حقوق بشر؛ اینقدر برای این کشور خطرناک بوده است؟

مدیر مالی ترامپ، آلن ویزلبرگ به عنوان شاهد اعتراف کند

محرم اسرار، بلبل سخنگو می شود



ماه گذشته، دادستان ایالت نیویورک، باربارا اندروود از بنیاد ترامپ شکایت کرد. ویزلبرگ بر خلاف انتظارات به راحتی شهادت داد و با اشتیاق سسوالاتی را پاسخ داد که می تواند برای کارفرمای وی مسئله ساز شود. بنیاد ترامپ در ژانویه سال ۲۰۱۶ به مجموعه ای از سازمان های حمایت از کهنه سربازان آمریکایی کمک های مالی تزریق کرده است. این سازمان های مشخصا برای دریافت کمک های انتخاباتی طراحی شده اند. او در استسبهادنامه خود اعتراف کرد که هیچ تلاشی برای اطمینان از قانونی بودن این پرداخت ها انجام نداده است و شخص ترامپ خود از این داستان باخبر بوده و مستقیما از ویزلبرگ خواسته است تا به این گروه های حمایت از کهنه سربازان کمک کند. در صورتی که ویزلبرگ خواهان محافظت از کارفرمای قدیمی خود بود، پاسخ های سر بسته تری به دادگاه می داد. این اولین نشانه های بود که ثابت می کرد ویزلبرگ هم مانند کوهن حاضر نیست آزادی خود را به خاطر موقعیت خاص ترامپ به خطر بیندازد؛ اخباری مبنی بر قبول مصونیت قضایی ویزلبرگ منتشر شد تا او بتواند با خیال راحت با مقامات قضایی در پرونده کوهن همکاری کند. این موضوع نشان می دهد که او برای افشای اطلاعات بیشتر آماده است.

سوالات زیادی در مورد نحوه مصرف پول در شرکت ترامپ در سال های اخیر وجود دارد. برای مثال نیویورک، باربارا اندروود از بنیاد ترامپ شکایت کرد. ویزلبرگ بر خلاف انتظارات به راحتی شهادت داد و با اشتیاق سسوالاتی را پاسخ داد که می تواند برای کارفرمای وی مسئله ساز شود. بنیاد ترامپ در ژانویه سال ۲۰۱۶ به مجموعه ای از سازمان های حمایت از کهنه سربازان آمریکایی کمک های مالی تزریق کرده است. این سازمان های مشخصا برای دریافت کمک های انتخاباتی طراحی شده اند. او در استسبهادنامه خود اعتراف کرد که هیچ تلاشی برای اطمینان از قانونی بودن این پرداخت ها انجام نداده است و شخص ترامپ خود از این داستان باخبر بوده و مستقیما از ویزلبرگ خواسته است تا به این گروه های حمایت از کهنه سربازان کمک کند. در صورتی که ویزلبرگ خواهان محافظت از کارفرمای قدیمی خود بود، پاسخ های سر بسته تری به دادگاه می داد. این اولین نشانه های بود که ثابت می کرد ویزلبرگ هم مانند کوهن حاضر نیست آزادی خود را به خاطر موقعیت خاص ترامپ به خطر بیندازد؛ اخباری مبنی بر قبول مصونیت قضایی ویزلبرگ منتشر شد تا او بتواند با خیال راحت با مقامات قضایی در پرونده کوهن همکاری کند. این موضوع نشان می دهد که او برای افشای اطلاعات بیشتر آماده است.

است. بر اساس تحقیقاتی که با استفاده از پایگاه داده خبری Nexis انجام دادم، تنها چند اظهار نظر کوتاه در از وی یافتیم. بسیاری از این صحبت مربوط به برنامه تلوزیونی «The Apprentice» می شد یا اینکه مانند هر مدیر دیگری اظهارات رسانه ها را تکذیب کرده بود یا از اظهار نظر تفره رفته بود.

البته این تابستان نقش ویزلبرگ در شرکت ترامپ بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. بر اساس نوار ضبط شده ای که مایکل کوهن از گفتگوی خود با ترامپ تهیه کرده بود، مسئله پرداخت حق السکوت به معشوقه های سابق ترامپ مطرح شده است. آنها در مورد شرکتی پوششی صحبت می کنند که از طریق آن بتوانند حق السکوت کارن مک دوگال را پرداخت کنند. همه اینها در هیاهوی انتخاباتی سال ۲۰۱۶ اتفاق افتاده بود. هفته پیش کوهن به جرم زیر پا گذاشتن قوانین انتخاباتی اعتراف کرد. کوهن اعلام کرده است که آن زمان از ماهیت غیر قانونی پرداخت رشوه در زمان برگزاری انتخابات آگاه بوده است، اما این کار را به دستور ترامپ انجام داده است. اما نکته مهم اینجاست که کوهن در همان نوار به نقش ویزلبرگ اشاره کرده است. در آن نوار کوهن به ترامپ گفته بود: «من با ویزلبرگ در مورد چگونگی انجام کار صحبت کردم»

پرونده مایکل کوهن، کار چاق کن و وکیل سابق ترامپ با آنها همکاری کند. باید اذعان کرد که تمامی روزنامه نگاران، فعالان سیاسی و فعالان رسانه ای که دنیای ترامپ را زیر نظر دارند از این اتفاق به ذوق آمده اند. ویزلبرگ همان کسی است که این آدم ها به دنبال گفتگو با وی هستند. این در حالی است که آلن ویزلبرگ در طول سال های متمادی انسانی محافظه کار و محتاط بوده است. ویزلبرگ به عنوان مدیر مالی ارشد شرکت ترامپ از تمامی پول هایی که به شرکت وارد می شود و یا از آن خارج می شود، نظارت دارد. من همیشه در مورد نقش حقیقی ویزلبرگ در شرکت ترامپ کنجکاو بودم. چند بار با او تماس گرفتم و برای ایمیلش پیغام گذاشتم اما هیچ گاه پاسخی نگرفتم. بعضی از افراد مطلع به من گفتند که او چند حسابرس خبره دارد اما در نهایت تمامی کاغذبازی ها از زیر دست او رد می شوند. او می دانست که چه کسی به ترامپ پول قرض می دهد، از او پول قرض می گیرد یا بسا او معامله ای داشته است. پس از ریاست جمهوری ترامپ، ویزلبرگ و پسر ارشد ترامپ که جزء معتمدترین افراد حول او هستند، مسئولیت اداره فعالیت های اقتصادی ترامپ وشرکتش را بر عهده گرفتند. ویزلبرگ در طول عمر خود به ندرت در برابر رسانه ها قرار گرفته

در این مقاله قصد داریم تا به نقل از روزنامه نگار نیویورک، آدام دیویدسون، مسئله همکاری مدیر مالی سازمان ترامپ و مقامات قضایی آمریکا را بررسی کرده و احتمالات ممکن را بسنجیم. اواخر سال ۲۰۱۶ با یکی از مقامات ارشد تشکیلات ترامپ ملاقات کردم، کسی که از افشای اطلاعات علیه رییس سابق خود ابراز خوشحالی می کرد، اما در عمل اطلاعات زیادی برای افشای نگرداند. او فهرستی از افرادی را به من داد که می توانستند اطلاعاتی در زمینه فعالیت های غیر قانونی و غیر اخلاقی ترامپ ارائه دهند. در انتهای این فهرست اسم ویزلبرگ قرار داشت. رابط من در مورد او گفت: «آلن فردی است که از همه چیز خبر دارد؛ او هیچ وقت صحبت نخواهد کرد». پس از او بارها افراد دیگری که نزدیک به ترامپ بودند نیز گفتگوی مشابهی با من داشتند و همگی معتقد بودند که ویزلبرگ صندوق اسرار ترامپ است و زبان نخواهد گشود. وی مدیر مالی با سابقه شرکت ترامپ است، ویزلبرگ در مرکز تمامی اتفاقات قرار دارد و بهتر از هر شخص دیگری این شرکت را می شناسد.

روز جمعه روزنامه وال استریت ژورنال فاش کرد که مقامات قضایی فدرال منطقه جنوب نیویورک توانسته اند با استفاده از مصونیت قضایی، ویزلبرگ را راضی کنند تا در

سوالات زیادی در مورد نحوه مصرف پول در شرکت ترامپ در سال های اخیر وجود دارد. برای مثال معلوم نیست که ترامپ چگونه توانسته ۲۰۰ میلیون دلار پول نقد بدست آورده و آن را خرج زمین گلفی ضررده در اسکاتلند کند. او در سفر به آذربایجان با یکی از خانواده های ثروتمند این کشور معاملاتی کرده است. خزانه داری آمریکا مدعی است که این خانواده برای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، پولشویی کرده است. اف بی آی در مورد منابع مالی دارایی های ترامپ در ونکوور کانادا تحقیقاتی انجام داده است. علاوه بر این ترامپ در تورنتو کانادا نیز به منابع مالی مشکوکی دسترسی دارد. این تنها چند مورد از معاملاتی است که ترامپ انجام داده و در آن احتمال پولشویی، فرار مالیاتی، نقض قوانین تحریم ها و دیگر جرایم مالی وجود دارد. شایعاتی دیگری در مورد منابع مشکوک مالی حول ترامپ وجود دارد؛ آیا او از خلافتکاران بزرگ بین المللی پول دریافت می کند؟ آیا او برای آنها پول شویی می کند؟ آنها او با دریافت حق السکوت قانون شکنی های شراکیش را نادیده گرفته است؟ بسیاری معتقدند که بخش عمده ای از فعالیت های اقتصادی او متوجه فروش اموالش به خلافتکارانی است که راه دیگری برای پول شویی ندارند. باید دید چه میزان از فعالیت های اقتصادی ترامپ از چشم جهانپان پنهان است. شاید حتی خود ترامپ هم نتواند به این سوالات به طور کامل پاسخ دهد، اما ویزلبرگ می تواند.

صورت چون حکم دیوان بین المللی دادگستری است، منجر به مسئولیت بین المللی برای آمریکا خواهد شد.» برای درک تبعات آرای احتمالی دیوان بین المللی دادگستری برای ایران و آمریکا، مرور تاریخچه این دادگاه، «عهدنامه مودت» بین ایران و آمریکا و همچنین شکایات مطرح شده از سوی ایران علیه آمریکا کمک کننده است.

قانون مربوط به «عهدنامه مودت» و روابط اقتصادی و کنسولی ایران و آمریکا

در تاریخ ۲۳ مرداد ماه ۱۳۳۴ (۱۵ آگوست ۱۹۵۵) عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا مشتمل بر یک مقدمه و بیست و سه ماده در تهران به امضاء رسید. این عهدنامه از سوی دولت وقت ایران تصویب شد و به دولت اجازه داده شد که اسناد مربوط مبادله شود. این معاهده در جلسه سه شنبه بیست و هشتم اسفند ماه ۱۳۳۵ به تصویب مجلس شورای ملی نیز رسید.

«جنیدی» معاون حقوقی رییس جمهوری ایران اعتقاد دارد که این معاهده گرچه در سال ۱۹۵۵ بین دو کشور به امضاء رسیده و اکنون نزدیک به ۴۰ سال است که واشنگتن و تهران با یکدیگر رابطه ندارند اما چون هیچ یک از طرفین یکدیگر را به طور رسمی از این پیمان اعلام خروج خود کرده اند، همچنان به اعتبار خود باقی است.

وی همچنین در این باره تأکید کرده است: «پیمان مودت مکررا در دیوان داوری ایران و آمریکا مورد استناد قرار گرفته و حتی در دادگاه های آمریکا نیز به آن استناد شده است.»

در واقع، معاون حقوقی رییس جمهوری بر اصل «بقا» در حقوق بین الملل تأکید می کند که بر اساس این اصل به سادگی نمی توان گفت یک عمل حقوقی که انجام شده و بسال ها از آن می گذرد و هیچ کدام از طرفین به صورت رسمی اعلام خروج از آن را نکرده اند، خود به خود بی اعتبار شده باشد.

جنیدی همچنین در این باره تأکید کرده است: «اگر در مورد خروج یکجانبه آمریکا از



برجام، حکم به سود ایران اعلام شود، این مسئله موجب تقویت مواضع ایران می شود چرا که در این صورت بسیار مشکل تر خواهد بود که آمریکایی ها بخواهند شرکت ها و کشورها را مجبور و وادار به متوقف کردن همکاری های خود با ایران کنند. اکنون نیز دولت هاتصمیم سیاسی شان را مبنی بر تدویم برجام و حمایت از ایران گرفته اند و این حکم می تواند پشتوانه حقوقی خوبی برای شرکت هایی که ترس همکاری با ایران را دارند، باشد زیرا آنها می توانند از آن به عنوان یک پشتوانه محکم در برابر جریمه های احتمالی استفاده کنند.»

البته لازم به ذکر است که نمی توان در مورد پیروزی در محاکم بین المللی به سادگی پیش بینی کرد و در هر حال صدور رای بر عهده دیوان بین المللی دادگستری است.

پرونده تخلفات آمریکاروی میز قضات لاهه

روحانی، رییس جمهوری ایران، دعوی نخست به احکام پرونده هایی مربوط است که دادگاه های آمریکایی صادر کرده اند و ادعای آنها مسائل تروریستی است که اجرای آنها را در کشورهای دیگر شاهد هستیم و دعوی جدیدی که ایران علیه آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری مطرح کرده مربوط به خروج ایالات متحده از توافق هسته ای «برجام» و بازگرداندن تحریم ها علیه ایران است.

دو شنبه ۵ شهریور ماه دیوان بین المللی دادگستری رسیدگی به شکایات جمهوری اسلامی ایران از ایالات متحده آمریکا را ذیل خروج یکجانبه واشنگتن از توافق هسته ای «برجام» و اتهام زنی های آمریکا به ایران در خصوص پرونده های تروریستی در کشورهای ثالث شروع می کند.

«دیوان بین المللی دادگستری» در شهر «لااه» کشور هلند اعلام کرده است که از دو شنبه ۵ شهریور ماه (۲۷ آگوست) تا پنجشنبه ۸ شهریور ماه (۳۰ آگوست) به شکایات های ایران از ایالات متحده آمریکا رسیدگی خواهد کرد. «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران روز دو شنبه ۲۵ تیر ماه (۱۶ ژوئیه) اعلام کرد که ایران از آمریکا به دلیل «نقض عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا در سال ۱۹۵۵» شکایت کرده است و جمهوری اسلامی ایران بر همین مبنا دادخواستی را به دبیر خانه «دیوان لاهه» تسلیم کرده است.

جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به اقدامات آمریکایی ها، پرونده هایی را علیه دولت آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری به جریان انداخته است و دو شکایت علیه آمریکا مطرح کرده است. به گفته «علیا جنیدی»، معاون حقوقی حسن

صورت چون حکم دیوان بین المللی دادگستری است، منجر به مسئولیت بین المللی برای آمریکا خواهد شد.» برای درک تبعات آرای احتمالی دیوان بین المللی دادگستری برای ایران و آمریکا، مرور تاریخچه این دادگاه، «عهدنامه مودت» بین ایران و آمریکا و همچنین شکایات مطرح شده از سوی ایران علیه آمریکا کمک کننده است.

قانون مربوط به «عهدنامه مودت» و روابط اقتصادی و کنسولی ایران و آمریکا

در تاریخ ۲۳ مرداد ماه ۱۳۳۴ (۱۵ آگوست ۱۹۵۵) عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا مشتمل بر یک مقدمه و بیست و سه ماده در تهران به امضاء رسید. این عهدنامه از سوی دولت وقت ایران تصویب شد و به دولت اجازه داده شد که اسناد مربوط مبادله شود. این معاهده در جلسه سه شنبه بیست و هشتم اسفند ماه ۱۳۳۵ به تصویب مجلس شورای ملی نیز رسید.

«جنیدی» معاون حقوقی رییس جمهوری ایران اعتقاد دارد که این معاهده گرچه در سال ۱۹۵۵ بین دو کشور به امضاء رسیده و اکنون نزدیک به ۴۰ سال است که واشنگتن و تهران با یکدیگر رابطه ندارند اما چون هیچ یک از طرفین یکدیگر را به طور رسمی از این پیمان اعلام خروج خود کرده اند، همچنان به اعتبار خود باقی است.

وی همچنین در این باره تأکید کرده است: «پیمان مودت مکررا در دیوان داوری ایران و آمریکا مورد استناد قرار گرفته و حتی در دادگاه های آمریکا نیز به آن استناد شده است.»

در واقع، معاون حقوقی رییس جمهوری بر اصل «بقا» در حقوق بین الملل تأکید می کند که بر اساس این اصل به سادگی نمی توان گفت یک عمل حقوقی که انجام شده و بسال ها از آن می گذرد و هیچ کدام از طرفین به صورت رسمی اعلام خروج از آن را نکرده اند، خود به خود بی اعتبار شده باشد.

جنیدی همچنین در این باره تأکید کرده است: «اگر در مورد خروج یکجانبه آمریکا از

روحانی، رییس جمهوری ایران، دعوی نخست به احکام پرونده هایی مربوط است که دادگاه های آمریکایی صادر کرده اند و ادعای آنها مسائل تروریستی است که اجرای آنها را در کشورهای دیگر شاهد هستیم و دعوی جدیدی که ایران علیه آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری مطرح کرده مربوط به خروج ایالات متحده از توافق هسته ای «برجام» و بازگرداندن تحریم ها علیه ایران است.

دو شنبه ۵ شهریور ماه دیوان بین المللی دادگستری رسیدگی به شکایات جمهوری اسلامی ایران از ایالات متحده آمریکا را ذیل خروج یکجانبه واشنگتن از توافق هسته ای «برجام» و اتهام زنی های آمریکا به ایران در خصوص پرونده های تروریستی در کشورهای ثالث شروع می کند.

«دیوان بین المللی دادگستری» در شهر «لااه» کشور هلند اعلام کرده است که از دو شنبه ۵ شهریور ماه (۲۷ آگوست) تا پنجشنبه ۸ شهریور ماه (۳۰ آگوست) به شکایات های ایران از ایالات متحده آمریکا رسیدگی خواهد کرد. «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران روز دو شنبه ۲۵ تیر ماه (۱۶ ژوئیه) اعلام کرد که ایران از آمریکا به دلیل «نقض عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا در سال ۱۹۵۵» شکایت کرده است و جمهوری اسلامی ایران بر همین مبنا دادخواستی را به دبیر خانه «دیوان لاهه» تسلیم کرده است.

جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به اقدامات آمریکایی ها، پرونده هایی را علیه دولت آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری به جریان انداخته است و دو شکایت علیه آمریکا مطرح کرده است. به گفته «علیا جنیدی»، معاون حقوقی حسن